

عنوان: بررسی فقهی تعصبات قومی مردم افغانستان در ازدواج، از دیدگاه فقه‌های امامیه و

حنفیه

نویسندگان: فاطمه برهانی^۱ و معصومه سادات نژاد موسوی^۲ (نویسنده مسئول)

چکیده

یکی از مشکلاتی که سبب پیدایش بسیاری از نزاع‌ها، کشمکش‌ها، خونریزی‌ها، زورگویی‌ها و بی‌اعتمادی‌ها، در کشور افغانستان شده است، ریشه در تعصبات قومی دارد، که دامنه این مشکلات ناشی از تعصبات قومی به خانواده نیز کشیده شده است. بنابراین سوال اصلی پژوهش این است، تعصبات قومی مردم افغانستان در ازدواج، از نظر فقه‌های امامیه و حنفیه چگونه است؟ هدف از نوشتار حاضر آگاه‌سازی افراد جامعه نسبت به احکام و دستورات شرعی اسلام و کاهش مشکلات ناشی از این تعصبات جاهلانه در خانواده می‌باشد. تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد فقهی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است. سرانجام پژوهش حاضر به این نتیجه دست یافته است: از نظر فقه‌های امامیه و حنفیه بیشتر ادله دلالت بر کراهت اخلاقی این رذیله ناپسند دارند. اما از نظر فقهی دلیلی که تصریح بر حرمت یا کراهت تعصب‌گرایی نماید یافت نشده است.

واژگان کلیدی: تعصبات قومی، ازدواج، افغانستان، فقه امامیه، فقه حنفیه.

^۱ دانش پژوه کارشناس ارشد فقه خانواده، افغانستان، کدتحصیلی ۱۱۵۵۶۲۷، مدرسه عالی قرآن و فقه، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

^۲ استادحوزه، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱ - مقدمه

در تعالیم اسلامی برای ازدواج معیارهایی بیان شده است از جمله کفویت زن و مرد که از نظر شرعی یعنی مسلمان بودن و از نظر عرفی یعنی متناسب بودن از لحاظ شئون اجتماعی، سن، تحصیلات و ... ولی تعصبات قومی قبیله ای و برتری خود و قوم و قبیله ی خود بر دیگری در امر ازدواج جزو هیچ ملاک و معیار اسلامی و شرعی در ازدواج نمی باشد. با این حساب تعصب گروهی از خانواده ها که در مرحله همسرگزینی از ازدواج دخترانشان با دیگر اقوام به دلیل برتر بینی قوم خود بر دیگری در امر ازدواج، در فرهنگ دین و اسلام و سنت پیامبر جایگاهی ندارد. بنابراین لازم است که برای حل این مشکل موجود تحقیقی مستدلی صورت بگیرد.

هدف از نوشتار حاضر معرفت سازی افراد جامعه و خانواده ها که هیچ منع شرعی جهت ازدواج با قوم و قبیله ای دیگر بدلیل برتریشان بر آن اقوام در شرع و اسلام وجود ندارد. نوشتار حاضر به روش توصیفی - تحلیلی در محدوده فقه و با استفاده از منابع کتابخانه ای جمع آوری شده است.

در رابطه با تعصبات قومی و قبیله ای ازدواج در افغانستان از منظر فقه امامیه و حنفیه تالیفاتی نوشته شده است که بهصورت کلی به بحث قومیت گرایی و تعصب در جامعه افغانستان پرداخته اند؛ مانند کتاب قومیت

و قوم گرایی در افغانستان نوشته نظر محمد غوری، پایان نامه با عنوان بررسی زمینه ها، دلایل و پیامدهای شکاف قومی در افغانستان نوشته محمدجواد ایوبی و مقاله ای با عنوان تعصب و تاثیر ناگوار آن بر ملت افغانستان در روشنائی سنت نوشته سید محمد جلالی که در هیچ کدام از این تالیفات بررسی تطبیقی و فقهی تعصب در ازدواج مردم افغانستان بین فقه امامیه و حنفیه انجام نشده است.

نوشتار حاضر بدنبال بررسی تعصبات قومی مردم افغانستان در مسئله ازدواج از منظر فقههای امامیه و حنفیه می باشد که برای دست یابی به پاسخ آن باید به کنکاش و بررسی مطالب و عناوینی نظیر، چیستی و انواع تعصبات قومی مردم افغانستان در امر ازدواج و تحلیل فقهی آن ها از منظر فقههای امامیه و حنفیه، پرداخته شود.

۲- تعریف مفاهیم

پیش از مباحث اصلی ابتدا لازم است به مفهوم شناسی برخی کلمات کلیدی بپردازیم.

۲-۱ تعریف تعصبات قومی

تعصبات جمع تعصب است. «تعصب و عصبیت در اصل از ماده - عصب- به معنی رگ ها و پی هایی است که مفاصل را به هم ارتباط می دهد. سپس هرگونه ارتباط و به هم پیوستگی را تعصب و عصبیت نامیده اند.» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۳۳۶/۱) «معمولا این لفظ در مفهوم افراطی و مذموم آن به کار می رود. تعصب و تحجر به معنای ایستایی، تحول ناپذیری، جمود و برنتابیدن فرهنگ و ارزش های حق و متعالی است که هم در ساحت بینش و دانش بروز و ظهور دارد و عقل و دل و ابزارهای معرفت یاب و منافع شناخت را نیز شامل می گردد.» (مطهری، ۱۳۸۱، ۱۱۰/۱۹) ابن منظور در مورد معنای لغوی عصبیت می گوید: «أَنْ يَدْعُوَ الرَّجُلَ إِلَى نُصْرَةِ عَصَبَتِهِ وَالتَّأَلُّبِ مَعَهُمْ عَلَى مَنْ يُنَاوِيهِمْ ظَالِمِينَ أَوْ مَظْلُومِينَ؛ عصبه خویشاوندان پدری هستند و در پی آن شخص به دنبال طرفداری و دفاع از قوم و قبیله خود می باشد.» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۶۰۶/۱) «عصبیت یکی از اخلاق

باطنه نفسانی است که آثارش دفاع و حمایت کردن از خویشاوندان و مطلق متعلقان است، چه تعلق دینی و مذهبی و مسلکی، یا تعلق وطنی و آب و خاکی، یا غیر آن... و این از اخلاق فاسده و ملکات رذیله ای است که منشاء بسیاری از مفاصد اخلاقی و اعمالی گردد، و خود آن فی نفسه مذموم است. گرچه برای حق باشد، یا امر دینی باشد و منظور اظهار حق نباشد، بلکه منظور غلبه خود یا هم مسلک خود یا بستگان خود باشد. اما اظهار حق یا ترویج حقیقت و اثبات مطالب حقه و حمایت برای آن عصبیت نیست، یا عصبیت مذمومه نیست.» (خمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۵) تعصب غالبا در همان معنای مذموم بکار برده می شود و مورد نکوهش است.

قوم در لغت «به جماعتی از مردان گفته می شود.» (نقوی، ۱۳۶۴، ص ۵۰) و بعضی آن را به معنای «جماعتی از مردان و زنان می دانند.» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۴۱۸/۱) و در اصطلاح به معنای «جماعتی است که جنس و زبان مشترکی دارند و وجود ارتباطات فرهنگی و زبانی موجب الفت بین آن ها گردیده است.» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۵۰۵/۱۲) وجود تعصبات قومی در یک جامعه باعث ایجاد عداوت و دشمنی بین آن ها می شود و افراد متعصب برای از سر راه برداشتن یکدیگر دست به هر کاری می زنند؛ از جمله مسخره کردن، دادن القاب زشت به یکدیگر و... که در نهایت اتحاد آن جامعه از بین می رود. چون در برخی موارد به جای تعصبات قومی کلمه تعصبات قبیله ای به کار رفته است، لازم به ذکر است که معنای هر دو واژه نزدیک به هم است و در اینجا منظور از آن دو کلمه یک چیز است، چنانچه در معنای قبیله گفته شده است: «به جماعتی اطلاق می شود که بر اساس نسب و خون، به همکاری در جهت بهبود معیشت خود دست زده باشند. اصل مشترک در همه قبیله ها نژاد و سرزمین است. نیرومندترین چیزی که در واقع ستون حفظ و تداوم قبیله بود و خون، نژاد و وطن را حفظ می کرد، عصبیت بود. فرد عضو قبیله باید در حفظ این رابطه و استحکام و تداوم کوشا باشد و حتی از جان و مال خود دریغ نکند. اگر جرمی رخ می داد، همه قبیله باید تاوان آن را می پرداختند و اگر افتخاری نصیب قبیله بود، همه را شامل می شد. این اصل حتی بعنوان عامل خیر و شر، منشا وجدانی پیدا کرده بود، چنان که می گفتند: فی الجزیره تشترک العشیره. یعنی در گناه عضوی از قبیله همه قبیله شریک اند. گاه برای تقویت و

تشکل بیشتر، قبایل ضعیف با پیمان حلف خود را در قبیله بزرگتر و نیرومندتر ادغام می کردند. این امر در جاهلیت در تکوین و تقویت قبایل نقش مهمی را بازی می کرد. به مجرد آن که قبیله با پیمان، خود را در پناه قبیله دیگر قرار می داد، بر قبیله نیرومند بود که از تمام شون و حیثیات قبیله هم پیمان خویش، دفاع کنند.» (آیینه وند، ۱۳۸۱، ص ۴۷) بنابراین تعصبات قومی و قبیله ای را می توان این گونه تعریف کرد: فرد، از اقوام و خویشاوندان خود چه ظالم باشد چه مظلوم، در برابر اقوام دیگر یاری رساند.

۲-۲ تعریف ازدواج

ازدواج در لغت «ازدواج، جفت گرفتن. زن کردن یا شوهر کردن. با یکدیگر جفت و قرین شدن. زناشویی. باهم جفت کردن مرد و زن را. پیوند کردن. جفت ساختن.» (دهخدا، ۱۳۹۰، ۱/۱۲۳) «ازدواج یعنی جفت گرفتن و با همدیگر جفت شدن یعنی زن دادن و زن خواستن.» (معروف، بی تا، ۱/۷۱)

ازدواج در اصطلاح «ازدواج همسر گرفتن مرد یا زن است که به سبب عقد ازدواج همراه با شرایط آن تحقق می یابد و از آن در باب نکاح و نیز به مناسبت در باب جهاد سخن رفته است. عقد ازدواج یا برای مدتی معین منعقد می شود یا برای همیشه که از اولی به متعه یا ازدواج موقت و از دومی به ازدواج دائم تعبیر می شود.» (موسسه دایره المعارف الفقه الاسلامی، بی تا، ۱/۳۹۰)

«ازدواج در عرف و شرع، پیمان زناشویی است و بر اساس آن، برای مرد و زن نسبت به یکدیگر، تعهدات اخلاقی و حقوقی پدید می آید که سرپیچی از بسیاری از آن ها، عقوبت و کیفر را در پی خواهد داشت.» (قائمی، ۱۳۶۸، ص ۱۹) «ازدواج در هر آیینی، با قوانین و مقررات ویژه ای صورت می گیرد و اسلام به آداب و رسوم دیگر اقوام احترام گذاشته است: لكل قوم نکاح.» (بحرانی، بی تا، ۲۴/۳۳۰) ازدواج در قرآن به نکاح تعبیر شده است و در دو معنا به کار رفته است:

۱- آمیزش جنسی؛ «... فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ...» ؛ ...روا نیست آن زن و شوهر دیگر بار رجوع

کنند تا این که زن به دیگری شوهر کند...» (بقره: ۲۳۰)

۲- عقد ازدواج: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ...؛ البته باید مردان بی زن و زنان بی شوهر و کنیزان و بندگان خود را به نکاح یکدیگر در آورید...» (نور: ۳۲)

۳- تعصبات قومی مردم افغانستان در مسئله ازدواج

تعصبات قومی یکی از معضلات جامعه بشری است، و به نحوی مادر بسیاری از مشکلات دیگر نیز می باشد. در بسیاری از نزاع ها، کشمکش ها، خونریزی ها، زورگویی ها و بی اعتمادی ها و ... بدون تردید یکی از علت های آن را در تعصبات قومی می یابیم. هر قبیله و قومی خود را برتر و خوب تر از قوم دیگر می بیند و همین طرز فکر و باور، باعث می شود که ارزش های انسانی و خوبی های دیگری را نبینند و فرد خطاکار یا نادان قبیله خود را از فرد عالم و درست کار قبیله دیگر بهتر بداند، و همین طرز فکر در فرد مقابل نیز دیده می شود که در جنگ ها و اختلافات به مشکلات بیشتری دامن می زند. متأسفانه این رذیله اخلاقی منحصر به فرد یا قوم یا قشری از جامعه نمی شود؛ افراد، اقوام، اقشار، منصب داران و عالمان و دین داران جامعه دچار این صفت اخلاقی می باشند. و کم هستند کسانی که تعصبات قومی نداشته باشند و از آن نیز تاثیر نپذیرند. تعصبات قومی و قبیله ای باعث می شود حس همبستگی اجتماعی افراد در سطح بسیار پایینی قرار گیرد.

در جامعه افغانستان انتخاب همسر به دو روش صورت می پذیرد: «۱- درون همسر گزینی: در این روش خانواده ها برای ازدواج پسرشان، به دنبال دختری از میان اقوام و آشنایان خودشان هستند. بیشترین روش حاکم در افغانستان همین روش است و دلیل آن تعصبات قومی و قبیله ای می باشد. ۲- برون همسر گزینی: در این روش همسر مورد نظر را از اقوام دیگر و خارج از قوم و قبیله خود انتخاب می کنند. گفتنی است ازدواج معمولاً در بین هم قبیله، قوم و طایفه و مذهب و بیشتر در میان اقوام درجه یک مثل فرزندان عمو و عمه و خاله و دایی صورت می گیرد و زجین از اقوام یکدیگرند. و در مرحله بعد از میان قبیله خود و سپس از هم مذهب خودشان همسر انتخاب می کنند. و بسیار نادر اتفاق می افتد که سنی با دختر شیعه یا شیعه با دختر سنی مذهب ازدواج کند، حتی شیعه اسماعیلیه با اثنی عشری به ندرت ازدواج می کنند. گاهی ازدواج در خارج از قوم و طایفه اتفاق

می‌افتد؛ به طور مثال: ازدواج تاجیک با هزار یا ازدواج پشتون با ازبک و...» (ر.ک: علی آبادی، ۱۳۹۵، ص ۲۹۱) هم چنین ازدواج سادات با غیرسادات بسیار به ندرت اتفاق می‌افتد. به نظر می‌رسد تعصبات قومی و قبیله‌ای در ازدواج به دو صورت در میان مردم افغانستان وجود دارد: ۱- تعصبات قومی در مرحله‌گزینش و انتخاب همسر، که مطالبی پیرامون آن بیان شد. در این شیوه انتخاب همسر در ازدواج، نوعی تعصب قومی و قبیله‌ای بر افراد حاکم است که اجازه ازدواج فرزندان را با فردی غیر از هم قبیله و طایفه و مذهب شان را نمی‌دهد ۲- تعصبات قومی و قبیله‌ای در دوران نامزدی دختر و پسر.. تعصب در دوران نامزدی دختر و پسر بدین گونه که دختر و پسر بعد از نامزد شدن که همراه با صیغه محرمیت می‌باشد و دوره‌ی آشنایی و شناخت آن دو نسبت به یکدیگر و ایجاد علاقمندی دو طرفه در بین آنان می‌باشد، برخی از خانواده‌های سنتی بعد از خواندن صیغه عقد اجازه برقراری ارتباط دختر و پسر در دوران نامزدی و اجازه صحبت کردن و دیدن یکدیگر و آشنایی بیشتر را به آن دو نمی‌دهند. در گذشته در بعضی از مناطق روستایی که سطح آگاهی خانواده‌ها کم است در دوران نامزدی مادر دختر اجازه خواندن صیغه محرمیت به پسر می‌داد، که این در اسلام مردود است. در بعضی از خانواده‌ها که بدون هیچ عقد و محرمیتی، دختر و پسر به طور پنهانی با یکدیگر در ارتباط‌اند. از این جهت بدلیل تعصب بسیاری از خانواده‌ها می‌تواند موجب بروز مشکلاتی پس از ازدواج دختر و پسر شود بدلیل عدم آشنایی آن‌ها با روحیات یکدیگر در زمان عقد و نامزدی و همچنین ممکن است موجبات گناه را برای دختر و پسر در آستانه ازدواج را در صورتی که هنوز به یکدیگر محرم نشده‌اند، فراهم سازد.

۳-۱ عوامل تعصبات قومی در افغانستان

۱- تقلید کورکورانه از پدران و اجداد: تقلید یعنی «پیروی کردن از فرد یا افرادی بدون تامل و دقت و بدون دریافتن حقیقت امر» (الرجانی، بی تا، ۲۹/۱) تقلید کورکورانه فرد در اجتماع باعث شده که به عواقب و پیامدهای این آداب و رسوم که از گذشتگان به جا مانده است، فکر نکند و به تقلید و پیروی از آنان بپردازد و ادامه دهنده راه اجدادشان باشند. همین پیروی کورکورانه از گذشتگان باعث می‌شود که هر سنت و اندیشه و

باوری که در میان سنت قبیله و اجدادشان باشد به عنوان اندیشه و سنت درست بپندارند، (هرچند مخالف شریعت و قانون باشد) از آن پیروی کرده و آن را تکرار کنند.

۲- جهل و نادانی: برخی «جهل را نقیض علم می دانند.» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۲۹/۱۱) «جهل را با توجه به این معنی، سه گونه بیان کردند، اول: خالی بودن نفس و ذهن انسان از علم و دانش، دوم: اعتقاد و باور داشتن بر چیزی بر خلاف آن چه هست، سوم: انجام کاری بر خلاف آن چه که باید انجام شود خواه اعتقاد درستی داشته باشد یا اعتقاد فاسد.» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۱۰۲/۱) غالباً افرادی دچار تعصبات قومی می شود که سطح علمی و دانش آنان پایین است و عده ای فرصت طلب و متعصب دیگر از جهل مردم استفاده می کند و ریشه تعصبات قومی را در بین آنان تشدید می کند تا بتوانند به اهداف خودشان برسند و برآنان حکم فرمایی کنند.

۳- سلطه جویی: «سلطه به معنای قدرت است.» (قرشی، ۱۳۷۱، ۲۹۰/۳) راغب اصفهانی «سلطه را تمکن و قدرت از روی قهر می داند.» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۲۳۸/۱) عده ای سلطه گر می کوشند تا بر دیگران تسلط یابند و از آن ها برای منافع خودشان سود ببرند. این گونه افراد خود را از دیگران برتر می دانند و دیگران را پست و حقیر می شمارند. به گونه ای که اگر فردی از خویشاوندانش به حساب آید یا در نژاد و قبیله و حزب و ملت و... با او مشترک باشد بر دیگران مقدم است حتی اگر ظالم و باطل باشد. بنابراین دیده شده که فردی شایسته که دارای قبیله ای ضعیف بوده، به خاستگاری دختری از قبیله ای بزرگ و قدرتمند دیگر رفته است، اما به دلیل خودبرتر بینی خود از جهت قبیله خود، درخواست ازدواج وی را رد کرده اند و حاضر به وصلت با قبایل ضعیف نیستند. این نوع سلطه گری و حس قدرت بر دیگران ریشه ی بسیاری از عداوت ها و فتنه ها می باشد.

۴- تکبر: «تکبر و استکبار از ماده (کبر) به معنای بزرگی (در مقابل کوچکی) است.» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۶۱/۵) «کبر حالتی در انسان است که به واسطه ی آن آدمی خود را برتر و بالاتر از دیگری ببیند و اعتقاد برتری خود بر غیر را دارد.» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۴۲۱/۱) تکبر تنها عامل تعصبات قومی و قبیله ای نیست بلکه ریشه بسیاری

از گناهان است و اولین معصیتی است که در عالم ظهور پیدا کرد و شیطان اولین کسی بود که بدلیل بزرگ بینی خود بر انسان مرتکب این معصیت شد.

۴ - بررسی و تحلیل فقهی تعصبات قومی ازدواج از منظر فقه امامیه و حنفیه

تعصبات قبیله ای و قومیت گرایی در افغانستان مشکلات، درگیری ها و نزاع های بسیاری را برای مردم افغانستان بوجود آورده است که می توان این تعصبات جاهلانه و متحجرانه را در دو مرحله از ازدواج خلاصه کرد: یک- در مرحله گزینش و انتخاب همسر، بدین صورت که انتخاب همسر باید حتما از میان اقوام یا قبیله خود، سپس در مرحله بعد از هم مذهبی یکدیگر باید باشند که نمونه بارز آن ممنوعیت ازدواج دختر سید با غیر سید می باشد.

دو- در مرحله بعدی تعصبات قومی در دوران نامزدی دختر و پسر است که بسیاری از خانواده ها در دوران نامزدی که صیغه محرمیت بین آنها جاری شده اجازه گفتگو کردن، دیدن و آشنایی بیشتر دختر و پسر را به آن ها تا زمان ازدواج نمی دهند.

۴-۱ دیدگاه فقه امامیه در مورد تعصبات قومی قبیله ای در ازدواج

مر حوم کلینی در مورد فرد متعصب فرموده است: «در بعضی روایات، متعصب، فردی بی ایمان یا عرب جاهلی معرفی شده است.» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۰۸/۲) علامه طباطبایی می فرماید: «آنچه اسلام از آن سخت مخالف است، این است که اصل و نسب خانوادگی و انتساب به قبیله، عامل امتیازات و تفاخر قرار گیرد که آیه سیزده سوره حجرات در صدد نفی آن برآمده است.» (علامه طباطبایی، بی تا، ۳۲۶/۱۸) ایشان در باره ی تعصب گرایی می فرماید: «اسلام مساله غیرت و تعصب را باطل معرفی نکرده است بلکه اصل آن را حفظ کرده، زیرا غیرت ریشه در فطرت انسان دارد، و اسلام هم دین فطرت است، ولی در جزئیات آن دخالت کرده است، و فرموده آن قدر از غیرت و تعصب که مطابق با فطرت است، حق است، و شاخ و برگ که اقوام به آن داده است، باطل

است. «علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ۶۷۴/۴» در بعضی روایات، تعصب حمزه بن عبدالمطلب به پیامبر اسلام (ص) سبب نجات و ورود او به بهشت شمرده شده است. «مجلسی، ۱۳۶۳، ۱۷۶/۱۰» بنابراین علمای اخلاق تعصب را به مذموم و ممدوح تقسیم کرده اند. «تعصب ممدوح را تعصبی دانسته اند که اهل یا عشیره یا دین خود را در امر حقی حمایت کند و در این حمایت از انصاف خارج نشود؛ اما اگر این حمایت، حمایت به حقی نباشد و از انصاف خارج شود، تعصب مذموم است.» (نراقی، بی تا، ۳۰۶) بنا براین تعصب اگر از روی هوا و هوس و تمایلات شخصی فرد باشد باطل است، از جمله تعصب ورزی اقوام، نسبت به قوم و قبیله خود (حتی اگر گنهکار باشد یا به ناحق باشد) مطابق با حق و حقیقت فطری انسان نبوده و هر فطرت پاکی، پی به اشتباه بودن آن و ناحق بودن آن می برد. و آیت الله مکارم شیرازی در این مسئله می نویسد: «گروهی از اعراب که به تعصب معروف و مشهور بودند، تعصب آنان در حدی بود که اگر قرآن بر غیر عرب نازل می شد هرگز ایمان نمی آوردند. موضوع تعصب در روایات اسلامی به عنوان یک اخلاق مذموم شدیداً مورد نکوهش قرار گرفته است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۷۹/۱۵) «و تنها ملاک برتری نزد خداوند پرهیزگاری برشمرده شده است. اسلام همواره با عصبیت منفی جاهلیت مبارزه کرده است، تا مسلمانان جهان را از هر نژاد و قوم و قبیله زیر یک پرچم جمع کند؛ زیرا اسلام هرگز تنگ و محدود قومی را نمی پذیرد و آن را موهوم و بی اساس می داند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۱۰/۲۲)

۲-۴ دلایل فقهی امامیه در مورد تعصبات قومی قبیله ای در ازدواج

تعصبات قومی و نژادی در آیات قرآن و احادیث بسیاری مورد مذمت واقع شده است.

قرآن

در آیاتی از قرآن کریم تعصبات قومی و نژادی برخی اقوام و گروه ها بیان شده است مانند قوم یهود و نصارا، مشرکان عرب، قوم نمرو و... . گروهی از این اقوام بخاطر تعصب و لجاجت خود را بهترین می دانستند و دیگران را نفی می کردند و همین امر باعث درگیری مداوم در میان اقوام می شود.

چنانچه خداوند متعال در آیه ۱۱۳ و ۱۷۰ سوره بقره می فرماید: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتْ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتْ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ قَالَ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ؛ يهودیان گفتند: مسیحیان هیچ موقعیتی (نزد خدا) ندارند، و مسیحیان نیز گفتند: یهودیان هیچ موقعیتی ندارند (و بر باطلند) در حالی که هر دو دسته، کتاب آسمانی را می خواندند (و باید از این گونه تعصبها بر کنار باشند) افراد نادان (دیگر همچون مشرکان) نیز سخنی همانند سخن آنها داشتند، خداوند در روز قیامت در اختلاف آنها داوری خواهد کرد.» (البقره: ۱۱۳) وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَ لَا يَهْتَدُونَ؛ و هنگامی که به آنها گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید! می گویند: نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می نمائیم. آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی فهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آنها پیروی خواهند کرد؟!« (البقره: ۱۷۰) از آیات ذکر شده تنها مذمت اخلاقی تعصبات قومی به دست می آید اما حکم تکلیفی از این آیات استفاده نمی شود.

روایات

روایات بسیاری بر مذمت تعصبات جاهلانه و کورکورانه دلالت دارند که در این قسمت به ذکر چند روایت اکتفا می کنیم. در احادیث، تعصب به منزله کفر و بی ایمانی است.

۱- «سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) عَنِ الْعَصِيَّةِ فَقَالَ: الْعَصِيَّةُ الَّتِي يَأْتُمُ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا أَنْ يَرَى الرَّجُلَ شِرَارَ قَوْمِهِ خَيْرًا مِنْ خِيَارِ قَوْمٍ آخَرِينَ؛ از امام زین العابدین (ع) از تعصب سوال شد حضرت فرمودند: تعصبی که صاحبش گناه کار شناخته می شود این است که بدان قوم خود را بهتر از خوبان دیگران بداند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۰۸/۲)

۲- «عَنِ الرَّضَا (ع) يَقُولُ لِأَخِيهِ زَيْدٍ: اتَّقِ اللَّهَ، فَإِنَّهُ بَلَّغَنَا مَا بَلَّغْنَا بِالتَّقْوَى فَمَنْ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ وَ لَمْ يُرَاقِبْهُ فَلَيْسَ

مِنَّا وَ لَسْنَا مِنْهُ...؛ امام رضا(ع) به برادرش زید می گفت: ای زید تقوی داشته باش هرچه که به ما رسیده است به واسطه تقوا رسیده است کسی که تقوای الهی نداشته باشد و در برابر خداوند مراقب اعمال خود نباشد او از ما نیست و ما از او نیستیم...» (صدوق، ۱۴۱۳، ۲/۲۳۵)

۳ - پیامبر اکرم(ص) در این مورد، افراد متعصب و لجوج را در سرنوشت اعراب جاهلی شریک می شمارد و می فرماید: «مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ عَصَبِيَّةٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَعْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ؛ هرکس در دلش به اندازه دانه خردلی عصبیت باشد، خداوند روز قیامت او را با اعراب جاهلیت محشور می کند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۳۰۸)

۴ - در حدیث دیگری از رسول اکرم(ص) که می فرمایند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَتَعَوَّذُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ سِتٍّ مِنَ الشُّكِّ وَ الشَّرْكِ وَ الْحَمِيَّةِ وَ الْغَضَبِ وَ الْبَغْيِ وَ الْحَسَدِ؛ ایشان همه روز از شش چیز به خدا پناه می برد: از شرک و شک و حمیت(تعصب) و غضب و ظلم و حسد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۸۹/۷۳)

به نظر می رسد از ادله مذکور نکوهش و یا کراهت یا حرمت اخلاقی برداشت می شود ولی از دلایل مذکور حرمت تکلیفی بدست نمی آید مگر اینکه روایت «علی بن الحسین(ع)... الْعَصَبِيَّةُ الَّتِي يَأْتُمُ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا...» عبارت یائتم علیها را حمل بر کراهت کنیم. به عبارت دیگر بیشتر ادله دلالت بر کراهت یا حرمت اخلاقی دارند، اما از نظر فقهی دلیلی که تصریح بر حرمت تعصب گرایی نماید یافت نشده است و اگر در جایی منع شده است به دلیل اینکه عصبیت منجر به فعل حرامی مانند قتل شده است، ممنوعیت فقهی پیدا کرده است که آن هم نه به خاطر تعصب گرایی بلکه به دلیل ارتکاب فعل حرام است و حرمت و ممنوعیت بر آن فعل، تعلق گرفته است نه بر خود تعصب گرایی.

با توجه به روایات آورده شده تاثیر مخرب این رذیله اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها

روشن می شود تا آن جا که انسان را از ایمان جدا ساخته و به سوی کفر و رها کردن رشته محکم ایمان سوق می دهد. بدیهی است که وابستگی های غیر منطقی نسبت به فرد یا عقیده و یا هر چیزی که انسان را به تقلید کورکورانه نسبت به آن وادار می کند، منشا بسیاری از کشمکش ها و جنگ ها و اختلافات مستمر است. هر گاه این تعصبات از میان جامعه انسانی برود و مردم تسلیم منطق و حرف حساب باشد بسیاری از مشکلات و اختلافات از میان مردم برچیده می شود و آرامش بر جامعه بشری حاکم می شود. بنابراین این تعصبات قومی و قبیله ای که در برخی از جوامع از جمله جامعه افغانستان حاکم شده و تبدیل به عرف جامعه شده است مانند عدم اجازه ازدواج سادات با غیر سادات، یا اقوام پشتو با هزاره و غیره... از نظر شرع کاملاً مردود است و مصداق بی ایمانی و کفر است؛ چراکه در اکثر احادیث برتری افراد بستگی به میزان تقوای افراد دارد نه قوم و قبیله و نژاد افراد. بنابراین در امر ازدواج، کفویت و هم طرازی زوجین مطرح است، یعنی هر چقدر زن و مرد از نظر ایمانی و اخلاقی به هم نزدیکتر باشند، زندگی بهتری را با هم تجربه می کنند. بنابر این دلیل فقهی که به حرمت و ممنوعیت تعصبات قومی در امر ازدواج دلالت داشته باشد، یافت نشده است و بیشتر آیات و روایات از جهت اخلاقی این رذیله اخلاقی را به صورت عام تقبیح نموده اند، تنها در صورتی که تعصب گرایی منجر به فعل حرام شده باشد، ممنوعیت فقهی پیدا می کند که آن به دلیل ارتکاب فعل حرام است نه بدلیل خود تعصب گرایی و از طرفی در بحث تعصبات قومی در امر ازدواج دلیل خاصی نیز یافت نشده است.

۳-۴ دیدگاه فقه حنفی در مورد تعصبات قومی قبیله ای در ازدواج

فقه های حنفیه مانند فقه های امامیه در تعصب گرایی دیدگاه یکسانی دارند. «پیامبر اکرم (ص) نیز عصبیت جاهلیت را امری متعفن دانسته است که باید رها شود.» (الجزیری، ۱۴۲۴، ۳۷/۱) «پیامبر اکرم (ص) با تاکید بر اشتراک همه انسان ها در خدای واحد و پدر واحد، برتری عرب بر عجم، عجم بر عرب، سیاهپوست بر گندمگون و گندمگون بر سیاهپوست را نفی کرده و تنها ملاک برتری را تقوا دانسته است.» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱، ۴۱۱/۵) فقه های حنفیه در مورد تعصب گرایی در کتب روایی شان در مورد تعصب گرایی روایات بسیاری آمده است؛ در

سنن ابی داود حدیثی از پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ دَعَا إِلَى عَصِيَّةٍ، وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ قَاتَلَ عَلَى عَصِيَّةٍ، وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ مَاتَ عَلَى عَصِيَّةٍ؛ کسی که مردم را دعوت به تعصب کند از ما نیست، و کسی که به خاطر تعصب بجنگد از ما نیست، و کسی که با تعصب بمیرد از ما نیست.» (السجستانی، بی تا، ۳۳۲/۴؛ محمدی ری شهری، بی تا، ۴۱۹/۷) و در روایت دیگری در سنن ابی داود در مورد تعصب آمده است؛ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ عُبْيَةَ الْجَاهِلِيَّةِ، وَفَخَرُّهَا بِالْأَبَاءِ مُؤْمِنٍ تَقِيٍّ، وَفَاجِرٌ شَقِيٍّ، أَنْتُمْ بَنُو آدَمَ وَآدَمُ مِنْ تُرَابٍ، لِيَدَعَنَّ رِجَالٌ فَخَرَهُمْ بِأَقْوَامٍ، إِنَّمَا هُمْ فَخَمٌّ مِنْ فَخَمٍ جَهَنَّمَ، أَوْ لِيَكُونَ أَهْوَنَ عَلَى اللَّهِ مِنَ الْجَعْلَانِ الَّتِي تَدْفَعُ بِأَنْفِهَا النَّتْنَ؛ خداوند عزوجل ردای جاهلیت را از شما دور کرده است، و فخر آن را به پدران مومن و پرهیزگار داده است، و ای گنهکار ظالم، شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک است، مردان شما غرورشان با قومشان باقی بماند، اما آن ها از تجمل جهنم مجلل ترند، یا اینکه برای خدا آسان تر از خرچنگ است که بینی بدبویش را هل می دهد.» (سجستانی، بی تا، ۳۳۱/۴) در روایتی از عبدالله الرحمن بن عبدالله بن مسعود از پدرش چنین آمده است: «عن عبدالرحمن بن عبدالله بن مسعود، عن ابيه، قال: مَنْ نَصَرَ قَوْمَهُ عَلَى غَيْرِ الْحَقِّ، فَهُوَ كَالْبَعِيرِ الَّذِي رُدِّيَ، فَهُوَ يَنْزَعُ بِذَنْبِهِ؛ کسی که قوم خود را در برابر غیر حق یاری کند، مانند شتری است که کشته شده و با دمش برده می شود.» (سجستانی، بی تا، ۳۳۱/۴) بنابراین از ادله مذکور بیشتر کراهت اخلاقی تعصب گرایی بدست می آید نه حرمت یا کراهت تکلیفی، و دلیلی که به صراحت بر حرمت تعصب گرایی دلالت کند یافت نشده است. لذا تعصبات قومی و قبیله ای در روایات اهل سنت نیز مورد مذمت و نکوهش اخلاقی قرار گرفته است.

نتیجه گیری

تعصبات قومی و قبیله ای در برخی جوامع از جمله افغانستان به شکل های مختلف دیده می شود، حتی در بین قشر تحصیل کرده و افراد سرشناسی که دارای مقام و جایگاه اجتماعی هستند نیز دیده می شود. تعصباتی که در ازدواج دیده می شود به این صورت است که ازدواج معمولاً در بین هم قبیله و قوم، طایفه و

مذهب که بیشتر در میان اقوام درجه یک اتفاق می افتد؛ به طور مثال در اکثر مناطق افغانستان ازدواج دختر سید با پسر غیر سید را کاملاً ممنوع دانسته و می گویند که در زندگی زناشویی مردان غیر سید احترام دختران سید را ندارند و یا اینکه نسل ما خراب می شود و... در مواردی که دختر و پسر از آنان ازدواج کرده اند، در اثر نزاع و درگیری حاصل از این ازدواج گاهی کار به قتل و خونریزی رسیده است و سایر تعصباتی که در عرف جامعه حاکم است و مردم به شدت به آن ها پایبند هستند. در هر دو فقه امامیه و حنفیه به شدت تعصب گرایی جاهلانه مورد مذموم و نکوهش اخلاقی قرار گرفته است. دلایلی که به آن استناد شده است: ۱- آیه ۱۱۳ سوره بقره. ۲- روایات مانند: روایت از علی بن الحسین (ع) «سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) عَنِ الْعَصِيَّةِ فَقَالَ: الْعَصِيَّةُ الَّتِي يَأْتُمُ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا...» و روایت پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ عَصِيَّةٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَعْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ...» و در حدیث دیگری از رسول اکرم (ص) که می فرمایند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَتَعَوَّذُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ سِتِّ مِنَ الشَّكِّ وَ الشَّرِكِ...» از ادله مذکور نکوهش و یا کراهت یا حرمت اخلاقی برداشت می شود و از آن ها حرمت یا کراهت تکلیفی بدست نمی آید مگر اینکه در روایت «علی بن الحسین (ع)...الْعَصِيَّةُ الَّتِي يَأْتُمُ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا...» عبارت یأثم علیها را حمل بر کراهت کنیم. به عبارت دیگر بیشتر ادله دلالت بر کراهت اخلاقی دارند. اما از نظر فقهی دلیلی که تصریح بر حرمت یا کراهت تعصب گرایی نماید یافت نشده است و اگر در جایی منع شده است به دلیل اینکه عصبيت منجر به گناه یا فعل حرامی مانند قتل شده است، ممنوعیت فقهی پیدا کرده است که آن هم نه به خاطر تعصب گرایی بلکه به دلیل ارتکاب فعل حرام است و حرمت و ممنوعیت به آن فعل تعلق گرفته است. چنانچه تعصب گرایی باطل از دیدگاه علمای حنفی نیز مورد مذمت و نکوهش اخلاقی قرار گرفته است و در منابع فقهی ایشان تصریحی بر ممنوعیت فقهی آن یافت نشده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آینه وند، صادق (۱۳۸۱) و تاریخ اسلام . قم: نشر معارف.
۲. خمینی، سید روح اله (۱۳۸۰) . شرح چهل حدیث . قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ بیست و چهارم.
۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰) . لغت نامه فرهنگ متوسط دهخدا . به کوشش: مهرکی، ایرج؛ ستوده، غلامرضا؛ سلطانی، اکرم، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۴. علی آبادی، علی رضا (۱۳۹۵) . جامعه و فرهنگ افغانستان . تهران: انتشارات بین المللی الهدی.
۵. علامه طباطبائی، محمد حسن (۱۳۷۴) . ترجمه تفسیر المیزان . قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۶. قائمی، علی (۱۳۶۸) . تشکیل خانواده در اسلام . تهران: امیری، چاپ ششم.
۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴) . تفسیر نمونه . تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. نقوی، علی محمد (۱۳۶۴) . اسلام و حل گرایي . تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴) . لسان العرب . بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
۱۰. احمد بن حنبل (۱۴۲۱) . مسند الام احمد بن حنبل . المحقق: شعيب الانووط، عادل مرشد و آخرون، بی جا: موسسه الرساله، چاپ اول.
۱۱. البحرانی، شیخ یوسف (بی تا) . الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره . مترجم: ایروانی، محمد تقی، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۱۲. الجزیری، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۲۴) . الفقه علی المذاهب الاربعه . بیروت: دارالبیت العلمیه.
۱۳. جمعی از محققان (بی تا) . الموسوعه الفقهيّه . بی جا: موسسه دایره المعارف الفقه الاسلامی.
۱۴. راغب اصفهانی، حسن بن محمد (۱۴۰۴) . المفردات فی غریب القرآن . بی جا: دفتر نشر کتاب، چاپ دوم.
۱۵. السجستانی، ابوداود (بی تا) . سنن ابی داود . بیروت: مکتبه العصریه.
۱۶. طریحی نجفی، فخرالدین محمد (بی تا) . مجمع البحرین . بی جا: بی نام.
۱۷. علامه طباطبائی، محمد حسین (بی تا) . المیزان فی تفسیر القرآن . بی جا: منشورات موسسه الاعلمی

للمطبوعات.

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. مصحح: غفاری، علی اکبر؛ آخوندی، محمد، تهران: دارالکتب

الاسلامیه، چاپ چهارم.

۱۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. تحقیق: میانجی، سیدابراهیم؛ بهبودی، محمدباقر، بی جا: بی نام،

چاپ سوم.

۲۰. محمدی ری شهری، محمد (بی تا). میزان الحکمه. بی جا: بی نام.

۲۱. معروف، محمدبن عبدالخالق (بی تا). فرهنگ کنز اللغات. تصحیح: علوی، سیدرضا، تهران: کتابخانه مرتضوی

ناصر خسرو.

۲۲. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳). مراه العقول فی شرح اخبار آل الرسول (ص). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۳. نراقی، ملا احمد (بی تا). معراج السعاده. بی جا: موسسه انتشارات هجرت.

۲۴. الجرجانی، علی بن محمد (بی تا). التعریفات. تهران: ناصرخسرو.

۲۵. قرشی بنایی، علی اکبر (بی تا). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). مجموعه آثار شهید مطهری. قم: صدرا.

۲۷. صدوق، ابن بابویه قمی، محمدبن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. محقق: غفاری، علی اکبر، قم: دفتر

انتشارات اسلامی وابسته به جامعین مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.